

■ **در سال‌های اخیر غرب به گسترش اسلام هراسی در کشورهای اروپایی و امریکا دامن می‌زند. ریشه‌ها و انگیزه‌های چنین رویکردی را چه می‌دانید و در صورت تداوم آن رویکرد، چه پیامدهایی می‌توان برای آن برشمرد؟**

**دکتر رحیمی:** می‌توان سه عامل را برای چرایی شکل‌گیری این رویکرد مطرح کرد؛ نخست منافع‌ی که غرب در مناطق اسلامی دارد و براساس آن نیازمند توجیه حضور خود در مناطق اسلامی است. امریکا از زمان جنگ جهانی دوم، خطر کمونیزم را محور تبلیغات خود قرار می‌داد، اما پس از فروپاشی شوروی، غرب باید چابک‌زینی برای تهدید کمونیزم تعریف می‌کرد. بخشی از تلاش برای ارائه تصویر نادرست از اسلام ناشی از همین نیاز غرب است.

■ **چرا «اسلام» انتخاب شده است؟**

**دکتر رحیمی:** بخش اعظم منطقه‌ای که غرب به آن نگاه ویژه‌ای دارد، در اختیار مسلمانان است. خلیج فارس که مهم‌ترین نقطه این جغرافیای سیاسی محسوب می‌شود نیز در همین منطقه است. دلیل دوم، گسترش اسلام در خود غرب است. در چند دهه گذشته شاهد بروز سرگشتگی فکری در غرب هستیم و در عین حال، می‌بینیم که مکتابی چون لیبرالیسم، فاشیسم و کمونیزم نتوانستند نیازهای روحی و معنوی آنان را تأمین کنند. به همین دلیل گسترش اسلام در غرب بشدت بالااست. به همین دلیل، غرب در منافع درازمدت خود، این امر را به عنوان یک خطر تعریف کرده که در نظریه هانتینگتون نیز مطرح شده است. در نگاه آنان، اسلام هراسی و تصور نادرست ارائه شده از اسلام می‌تواند روند اسلام‌گرایی در غرب را کند یا مهار کند.

■ **در این سال‌ها، حداقل در حوزه‌های تبلیغاتی توانسته‌اند شیعیان و اهل سنت را هم سوی موضع‌گیری علنی مقابل هم سوق بدهند. منافع غرب از تشدید این شکاف‌ها چیست؟**

**دکتر رحیمی:** همه شکاف شیعه و سنی که در چند دهه گذشته در خاورمیانه تشدید شده است از غرب ناشی نمی‌شود، بلکه بخشی از آن به فقدان دموکراسی در خود خاورمیانه بازمی‌گردد. بسیاری از کشورهایی که «بهار عربی» را تجربه کردند، نتوانستند حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی و همراه با احترام به حقوق اقوام و مذاهب ایجاد کنند. ریشه بسیاری از شکاف‌های شیعه و سنی که در خاورمیانه تشدید شده نیز همین است یعنی مسأله، داخلی است و ناشی از فقدان دموکراسی است. غرب هم به دلیل منافع امنیتی که در منطقه دارد – مانند حضور نظامی و تسلط بر منابع انرژی – به تشدید این چالش‌ها دامن می‌زند. عامل دیگر، وابستگی برخی گروه‌ها در داخل کشورهای خاورمیانه، به شرق یا غرب است. ممکن است در کشوری، بخشی از یک گروه مذهبی تحت حمایت غرب باشد و بخش دیگر تحت حمایت شرق. این حمایت‌ها نیز یکی از عوامل ایجاد یا تشدید شکاف‌هاست. من قبول ندارم که تشدید اختلاف‌ها، به عنوان یک استراتژی برای غرب دارای اهمیت است، زیرا غرب به دنبال سلطه در منطقه است و این سلطه از طریق ایجاد حکومت‌های دست نزناده و نزدیک به غرب میسر است. از آن سو، اگر در کشوری که غرب مشکل دارد و حاضر نیست سلطه غرب را بپذیرد، همین مشکلات وجود داشته باشد، ممکن است غرب وارد روند تشدید این مشکلات شود. به عبارت دقیق، غرب به این حوادث نگاه تاکتیکی دارد نه استراتژیک.

**خوجم‌لی:** با پیروزی انقلاب اسلامی، دو اتفاق روی داده؛ یک اتفاق در دنیای اسلام و دیگری در غرب. ما در غرب شاهد گسترش اسلام‌گرایی هستیم. به عنوان مثال، هنگام پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد مسلمانان انگلستان، کمتر از یک میلیون نفر بود، اما اکنون به دو میلیون و ۵۰۰ هزار نفر رسیده است. آنان چاره را این دیدند که به «اسلام‌هراسی» پرداخته و بعد هم با اهانت به ساخت مقدس پیامبر اسلام(ص) «اسلام‌ستیزی» را آغاز کردند. در حوزه جهان اسلام نیز سنی هراسی را میان اهل تشیع و در میان اهل سنت؛ به شیعه هراسی دامن زدند. نتیجه اینکه امروز می‌بینیم گروه‌های افراطی در جهان اسلام پدیدار شدند و به مصیبت‌های بسیاری دامن زدند.

■ **تأثیر پدیده داعش را در نوع نگاه غربی‌ها به اسلام چگونه می‌بینید؟**

**خوجم لی:** داعش طرحی نیست که غرب یک شبه آن را به وجود آورده باشد، یک پروسه و روند است، آن هم در داخل جهان اسلام. عده‌ای در دنیای اسلام، سال‌ها در ورطه افراط‌گرایی افتاده و هرچه را خود می‌اندیشیدند حق دانستند. از آن طرف، غرب موافق بروز چنین پدیده‌ای بود تا منافع آنان در کشورهای مسلمان در امان باشد. استفاده اصلی غرب از داعش، دامن زدن به اسلام هراسی است تا رشد مثبت و تضاعبی اسلام‌گرایی را در کشورهای خود، کند یا متوقف کند. غرب امروز به برخی نتایج خود دست یافته است، چنانکه بررسی‌های جدید نشان می‌دهد اسلام‌گرایی در غرب روند منفی پیدا کرده است.

**دکتر فلاحي:** تقلیل شکاف شیعه و سنی به تلاش‌های غرب، غیرواقعی است. گرچه عنوان شکاف را نمی‌پسندم، اما معتقدم میان شیعه و سنی، اختلاف، از ابتدا بوده است. اما چه شد که اختلاف، به وضعیت فعلی رسید؟ برخی از این وضعیت به خود کشورهای اسلامی بازمی‌گردد. اکنون چند سال است که کنفرانس وحدت اسلامی برگزار می‌شود، نتیجه این کنفرانس‌ها چه بود و آیا توانسته چالش‌ها و شکاف‌ها را بر کند؟ از طرف دیگر، نگاه افراد این دو مذهب حذفی نیست و نمی‌گویند که دیگری نباشد، پس در فرهنگ اختلاف یا درگیری دچار یک مشکل هستیم. در این شرایط، محتوای برخی از فتاوی‌ای دینی یا فعالیت‌های برخی مبلغان، باعث شده که حاملان افراط‌گرایی بتوانند بهره‌برداری کنند. طبیعی است که وضعیت کشورهای اسلامی، باعث بهره‌برداری کشورهای دیگر می‌شود. به جای اینکه روی چالش‌های نظری یا شیوه‌های تقرب اهل سنت و تشیع تمرکز کنیم، چالش‌ها را پیدا کرده و بعد راهکار بدهیم، باید ببینیم که نقش غرب در این میان چیست؟ آفتی که جهان اسلام را به صورت کلی فراگرفته و گویی ما نیز از آن مستثنی نیستیم، این است که با فراقفتی، مشکلات خود را به عوامل خارجی نسبت می‌دهیم. این باعث می‌شود سهم خود را نادیده بگیریم.

**دکتر طاهر نظامی:** در تحلیل گسترش داعش، نمی‌توان مشکلات داخلی کشورهای منطقه را نادیده گرفت. در داخل کشور ما هم، شرایط چنان است که گاهی احساس می‌کنم، دارم خواب می‌بینم که چنین جلساتی تشکیل شده است. بسیار خوشحالم که از دو سال پیش، زمینه طرح چنین بحث‌هایی فراهم شد. این وعده آقای روحانی در جریان انتخابات ریاست جمهوری بود و ایشان به صراحت عنوان کردند که همه اقوام و مذاهب باید فعال شوند و با تحقق همین وعده نیز یکی از دولتمردان خوشنام یعنی جناب آقای یونسی را به عنوان دستیار ویژه انتخاب کردند. شکل‌گیری این بحث‌ها و حل کردن مشکلات ضروری است، زیرا کشور ما در بسیاری از زمینه‌های داخلی مستعد است، و تفرقه است.

**باقریان:** زمینه‌های تشدید شکاف میان اهل سنت و شیعه و اسلام هراسی را می‌توان هم در درون دنیای اسلام و هم بیرون دنیای اسلام جست. در ۱۰۰ سال اخیر، در دنیای اسلام تحولاتی شکل گرفت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تشدید شد و آن، شکل‌گیری هویت جدید مسلمانان بود. دنیای اسلام

احمدفلاحي: تقلیل شکاف شیعه‌وسنی به تلاش‌های غرب، غیرواقعی است. اختلاف‌ از ابتدا بوده است. برخی از این وضعیت‌به‌خودکشورهایاسلامی بازمی‌گردد.اکنون چندسال است که کنفرانس وحدت اسلامی برگزار می‌شود، نتیجه این کنفرانس‌ها چه بود و آیا توانسته چالش‌ها و شکاف‌ها را پر کند؟



احمد باقریان: پس از پیروزی انقلاب اسلامی دنیای اسلام دریافت که می‌تواند هویت خود را بازبایی کرده و به آموزه‌های اصیل خود برگردد. اما تحقیری که مدت‌ها از سوی غربی‌ها به دنیای اسلام تحمیل شده‌بود، باعث‌شدبرخی گروه‌هاواکنش‌های تندری نشان بدهند که این‌خود، زمینه‌اسلام هراسی را ایجاد کرد



محمد طاهر نظامی: از دو سال پیش، زمینه طرح بحث‌هایی درباره حقوق اقلیت‌های مذهبی به شکل گسترده فراهم شد. این وعده آقای روحانی در جریان انتخابات ریاست جمهوری بود و ایشان به صراحت عنوان کردند که همه اقوام و مذاهب باید فعال شوند



ابوبکر خوجم لی: داعش طرحی نیست که غرب یک شبه آن را به وجود آورده باشد، یک پروسه و روند است، آن هم در داخل جهان اسلام. عده‌ای در دنیای اسلام، سال‌ها در ورطه افراط‌گرایی افتادند. از آن طرف، غرب موافق بروز چنین پدیده‌ای بود تا منافع شان در کشورهای مسلمان در امان باشد



جلیل رحیمی: رادیکالیسم سلفی در منطقه خاورمیانه که بعد از بحران افغانستان رشد کردند، جنگ مذهبی را به عنوان یک استراتژی در منطقه دنبال می‌کنند. بخش اعظمی از این هدف هم انزوا و بایکوت کردن ایران است.



در میزگرد «ایران» با حضور کارشناسان شیعه و سنی بررسی شد

## نقشه ناشیانه دشمنان

## برای شکاف مذهبی در ایران

▲ **تزی گلبور سوته**

ایجاد ساختاری نو، با عنوان «دستکاری ویژه رئیس جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی» از ابتکارات دولت تدبیر و امید محسوب می‌شود، ابتکاری که با استقبال اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی همراه بود، اما فشارهایی را نیز منوجه دولت و این دستکاری کرد. گرچه می‌توان دستکاری ویژه را گامی مهم در پرداختن به مسائل اقلیت‌های دینی و مذهبی و اقوام عنوان کرد، اما این به معنای پاسخ به همه مطالبات موجود نیست. چه مسئولان دستکاری نیز به این امر اذعان دارند که موانع بسیاری در مسیر وجود دارد؛ نوعی که باعث شد وعده ایجاد «معاونت اقوام و مذاهب رئیس جمهوری» به عنوان یکی از برنامه‌های روحانی در انتخابات، در نهایت به دستکاری ویژه رئیس جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی تقلیل یابد. در میزگردی با حضور چهره‌های علمی، دانشگاهی و فعالان اهل سنت، یکی از محورهای فعالیت‌



دریافت که می‌تواند هویت خود را بازبایی کرده و به آموزه‌های اصیل خود که تحول‌طلبی و دموکراسی‌خواهی نیز در آن وجود دارد، برگردد. اما تحقیری که مدت‌ها از سوی غربی‌ها به دنیای اسلام تحمیل شده بود، باعث شد برخی گروه‌ها واکنش‌های تندری نشان بدهند که این واکنش‌ها خود، زمینه اسلام هراسی را ایجاد کرد. موضوع دیگر، تضاد منافع است که هم درون دنیای اسلام و هم بین دنیای اسلام و دنیای خارج از آن، قابل تعریف است. علاوه بر منفعت‌طلبی غربی‌ها و نگاه خاص آنان نسبت به منطقه خاورمیانه، باید در نظر داشت که هویت‌خواهی دنیای اسلام باعث شکل‌گیری یک بیداری در مسلمانان شد و آنان دریافتند که می‌توانند حافظ منافع خود باشند چون این امر در تضاد با منافع غرب بود، غربی‌ها به سوار بر امواجی شدند که در دنیای اسلام بسترهای آن وجود داشت.

**خوجم لی:** اصل آموزه‌ها هیچ مشکلی ندارد. آموزه‌ها هیچ گاه اجازه نمی‌دهند پیروان نسبت به یکدیگر توهین روا بدارند بلکه این، نوع برداشت از آموزه‌هاست که انحراف ایجاد می‌کند. نوع استنباط و اجتهاد است که این مشکلات را ایجاد کرده است.

**دکتر رحیمی:** اگر پدیده داعش را فقط به طوطنه غرب

منتسب کنیم، بسیاری از واقعیت‌ها مکتوم می‌ماند. حادثه‌ای که تحت عنوان پیدایش داعش در منطقه خاورمیانه رخ داد، به وضعیت سوریه به طور خاص برمی‌گردد و به طور گسترده‌تر

به وضع سوریه و عراق، حکومت سوریه مانند بسیاری از کشورهای عربی در جریان بهار عربی دچار مشکل شد، اما چون از یک طرف، غرب نتوانست تقسیم و تضاد منافع خود را با روسیه در این کشور مدیریت کند و نتوانست به صورت مستقیم، مانند لیبی در سوریه نیز مداخله مستقیم کند و از



طرف دیگر بروز حوادثی در منطقه که برخی از کشورها را وادار به حمایت لجستیکی و اطلاعاتی از گروه داعش کرد، به شکل‌گیری و گسترش این گروه در منطقه دامن زد. پیشتر باید به شکل‌گیری دو حادثه در منطقه توجه کرد؛ حادثه اول روی کار آمدن نیروهای اخوان‌المسلمین بود. وقتی حکومت‌های دیکتاتوری لیبی، مصر و تونس سقوط کردند، اخوانی‌ها و نیروهای نزدیک به آنان، قدرت را در دست گرفتند. با رشد اخوان‌المسلمین، سعودی‌ها و تفکرات سلفی احساس می‌کردند در حال از دست دادن نفوذ سنتی و تاریخی خود هستند که منجر به واکنش آنان شد. سعودی‌ها و جریانات تکفیری برای مقابله با اخوانی‌ها، در مصر با نیروهای لائیک و طرفدار غرب پیوند برقرار و حکومت اخوان را سرنگون کردند. عامل دیگری را هم باید در نظر گرفت و آن نفوذ ایران در منطقه است. ایران با نفوذ سیاسی، امنیتی و فرهنگی خود در سوریه، لبنان و عراق، رنگ خطر را برای جهان عرب به صدا در آورد و سعودی‌ها و اخوانی‌ها نسبت به این امر واکنش نشان دادند. اتفاقاً نقطه



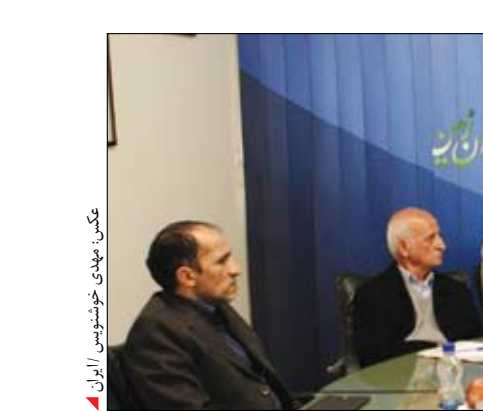
دستکاری ویژه رئیس جمهوری، یعنی اهل سنت به بحث گذاشته شد. بحث‌های این میزگرد، گرچه حول محور وضعیت اهل سنت در کشور بود، اما به دلیل شرایط ویژه منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی، گفت‌وگوها به بررسی شرایط مذهبی موجود در منطقه و پیامدهای آن برای وضعیت اسلام در غرب نیز کشیده شد. در کنار دکتر احمد باقریان که سمت معاونت اهل سنت دستکاری ویژه رئیس جمهوری را برعهده دارد، دکتر احمد فلاحي استاد دانشگاه، دکتر جلیل رحیمی رئیس واحد دانشگاه آزاد کابل، ابوبکر خوجم لی امام جمعه اهل سنت «نگین شهر» استان گلستان و دکتر محمدطاهر نظامی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد کرج و رئیس انجمن طالشان مقیم مرکز از حاضران اهل سنت این میزگرد بودند که دیدگاه‌های خود و بالطبع، همکیشان خود را درباره مسائل اهل سنت در منطقه و نیز تحولات جهان اسلام مطرح کردند.



استفاده کند. منظور از آموزه‌ها قرآن و سنت نیست، بلکه منظور چیزی است که در کلام برخی فقها آمده است. باوجود این، باید در نظر داشت گروهی به نام اخوان از آموزه‌های فقهی بهره می‌گیرد، اما خشونت‌گرا نشد. به این ترتیب، می‌توان گفت از نظر روش‌شناسی، کسانی هستند که خشونت و افراط‌گرایی را برای نیل به هدف خود تعریف می‌کنند. اگر از منظر تاریخی نگاه کنیم، این امر از حدود سال‌های ۲۰ تا ۳۵ هجری قمری در دنیای اسلام روی داد. به باور من، خوارج ابتدا در همین دوره رشد کرد. عراق هم، آیا قبل از داعش در میان اهل تشیع نمونه‌های تندرو نداریم؟ باید بپذیریم که در عراق مشکل وجود داشته و دارد و این مشکل باعث شد گروهی با همین ابزار جلو بیایند. همچنان که باید توجه داشت هیچ انسان اهل سنتی از طیف میانه نیست که اقدامات داعش را تأیید کند، یا هر انسان آزادخواه و آزاد اندیشی، و به همین دلیل است که داعش یک پدیده محدود محسوب می‌شود. محدودیت از این نظر که یک پدیده داعش را در رسانه‌های خود بسیار بزرگ کرده است، انگار که مشکلی جهانی است، در حالی که این قدر جهانی نیست که همه دنیای اسلام را به این پدیده محدود یا مشغول کند.

■ **کسانی که تفکر افراطی دارند در اقلیت هستند، اما اکثریت خاموشند. چرا اکثریت، گام‌های عملی برای همگرایی برنگز می‌دارد یا اگر کنفرانس‌هایی در کشورهای اسلامی برگزار می‌شود، این نشست‌ها به گام‌های عملی منتهی نمی‌شود؟**

**خوجم لی:** پاسخ را باید در نوع نگاه حکومت‌ها جست‌وجو کرد. یعنی اگر دنبال شکل‌گیری یک گفت‌وگو هستیم، نخست باید اجماع عملی میان حکومت‌های منطقه ایجاد شود تا



میل به این امر در میان ملت‌ها و اندیشمندان نیز ایجاد شود. درست است که ایران اسلامی دنبال این امر است، اما بسیاری از کشورها به دلیل وابستگی‌هایی که به غرب دارند، نمی‌توانند در این امر وارد شده و به ارتباط و گفت‌وگوها رونق بدهند. آنانی که معتدل هستند ارتباطاتی دارند، اما قدرت اجرایی ندارند و این قدرت اجرایی جاهای دیگری است.

**دکتر فلاحي:** گروه داعش، وضعیت متفاوتی نسبت به سایر گروه‌های تندرو دارد و آن استفاده از رسانه و انتشار فیلم جنایت است. می‌بینیم که برد تبلیغاتی داعش برخلاف گروه بوکوحرام بسیار بیشتر است. اما اینکه چرا از طرف علمای اسلام کار جدی صورت نمی‌گیرد، بستگی به این دارد که کار جدی را چه تعریف کنیم؟ در سطح روشنفکران تعداد مطالبی که در نقد خشونت و افراط‌گرایی، در دوران فعالیت داعش منتشر شده رشد بسیار چشمگیری دارد. از آن طرف این امر باعث شد خط فکری این متشخص تر شود. مثلاً اتحادیه علمای جهان اسلام، تاکنون چندین بیانیه در محکومیت اقدامات

داعش منتشر کرده است. اما در زمینه کشورهای مسلمان، دولت‌ها در منافع درگیری‌هایی دارند و به همین دلیل در سطح دولت‌ها اقدامات ایجنسی‌ای انجام نشده است، گرچه هماهنگی‌های برگزار می‌شود. از طرف دیگر، برخی فعالیت‌های ضدداعش در داخل کشور ما نیز پوشش مناسبی داده نمی‌شود. نمونه‌اش، کسی مانند سلمان عوده در عربستان است که به خاطر دیدگاه‌های میانه خود نزدیک به دو سال ممنوع‌الخروج بود یا تلاش‌هایی که قرضایی انجام داد و در رسانه‌های بازتاب نداشت. اما اینکه چرا این تحركات به صورت جنبشی درآمده باشد، دلایش این است که از گذشته، دیدگاه غالب در دنیای اسلام همین وضعیت میانه بوده است، اما همین دیدگاه میانه تلاش درخوری نداشت‌ه است و بیشترین تلاش آنان متوجه اروپا بوده است.

**باقریان:** القاعده، اگر زمینه نداشت‌ه باشند یا اگر پشتیبانی نشوند دوام نمی‌یابد. من بستر و زمینه فعالیت این گروه‌ها را در جامعه آنان می‌بینم و پشتیبانان آنان را هم در سطح حکام و دولت‌ها. این امر در فعالیت جریانات مثبت نیز مصداق دارد یعنی جریانات مثبتی مانند جریانات تقریبی که می‌توانند سکندار امور باشند، دارای بسترهای لازم در جوامع اسلامی هستند، اما هم عملکردها ضعیف است و هم فاقد پشتیبانی دولتها هستند. مثلاً اتحادیه علمای جهان اسلام، تنها به یک اطلاعیه و بیانیه اکتفا می‌کند و دولت‌ها هم حمایت نمی‌کنند. جمهوری اسلامی خودش را سکندار تقریب مذاهب می‌داند و حمایت‌هایی می‌کند، اما در کشورهایمانند قطر یا عربستان و سایر کشورهای اسلامی با تقریب را قبول ندارند یا اصلاً از آن حمایت نمی‌کنند. ضمن اینکه علمای تقریبی وحدت‌گرای دنیای اسلام نیز باید میداناری کنند و اگر میداناری نکنند، ادهای ضعیف نفسی وارد میدان می‌شوند که پشتیبانان هدمندی هم دارند. جریانات تکفیری و افراطی از این وضعیت برخوردارند. برخی دولت‌ها به خاطر منافع خود از افراط‌گر‌ها به عنوان ابزار استفاده می‌کنند و آنها را مورد حمایت قرار می‌دهند. از سوی دیگر، به خاطر حساسیت‌های مردم و جوامع و حمایت‌های رسانه‌ای، فعالیت‌های تندروها بازتاب وسیعی دارد. به طور کلی، صف را در جبهه همسو و همگرا و تقریبی و در حمایت نکردن دولت‌ها می‌دانم.

■ **حوزه داخلی برادران، دستکاری ویژه رئیس جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی، با وجود فشارهایی که اعمال می‌شود، توانسته کارهای مثبتی نیز انجام دهد، هرچند تا نقطه مطلوب فاصله وجود دارد. نظر شما درباره مسیری که طی شده چیست؟**

**دکتر نظامی:** فعالیت دستکاری ویژه را بسیار مطلوب ارزیابی می‌کنم. براساس حرفه خود با همه اهل سنتن از فالت قاره تا سرخس و غیره ارتباط دارم. به جرأت می‌توان گفت فعالیت‌های دستکاری انعکاس خوبی در جامعه داشته است. باوجود این، دستکاری داریم که این رویه به لایه‌های پایین جامعه هم سرایت کند، زیرا هنوز متخصصان رشته‌های مختلف که از اهل سنت باشند، در بیکره اجرایی کشور حضور ندارند. به همین دلیل است که باوجود فعالیت‌های خوب دستکاری ویژه، هم چشمه نگران و گوش‌ها در انتظار شنیدن خبرهای خوش، نه تنها درباره اهل سنت که اقوام یا ادیان دیگر است.

**دکتر رحیمی:** دستکاری ویژه رئیس جمهوری، عمر کوتاه اما پربرکتی داشته است. نباید توقع داشت که هزار و ۴۰۰ سال تفاوت و تنش، با فعالیت یک نهاد نوپا، آن هم در یک

و نیم سال حل شود. ما ایران، نیازمند تدوین دکترین و استراتژی کلان قومیت و مذاهب هستیم. آنچه ما نیاز داریم، یک سیاست اجرایی، یک دکترین اقوام و مذاهب و استراتژی دراز مدت است. اگر دستکاری ویژه رئیس جمهوری بتواند این نگاه مبتنی بر تهدید را، به نگاه مبتنی بر فرصت، نگاه فرهنگی و نگاه مبتنی بر واقعیت‌های جامعه ایران تبدیل کند، می‌تواند بخش زیادی از مشکل مبتنی بر قومیت و مذهب را حل کند. در گام نخست باید نگاه به تنوع مذهبی و قومی را اصلاح کنیم. تصاویری که در تخت جمشید هست، هر قومی را با لباس و هویت خود نشان می‌دهد و این یعنی، ایران زمانی قدرتمند است که این تنوع قومی و مذهبی را به رسمیت بشناسد و آن را تهدید نبیند. در گام دوم، اجازه مشارکت در قدرت را به آن داد بدیم.

**دکتر فلاحي:** برای نخستین بار بعد از انقلاب اسلامی، ساختار سیاسی کشور به این نتیجه رسید که مطالبه‌ای وجود دارد و برای آن نهادی به نام دستکاری ویژه را تأسیس کرد. اما مهم است که بررودان این نهاد چه باشد. این نهاد فعال بود، تبیین کردن این مسأله به عنوان مسأله‌ای ملی و مدعنه دولتی از سوی رئیس جمهوری، امر بسیار مبارکی بوده است. البته دو نکته را باید از هم جدا کرد: یکی قابل درک بودن و دیگری قابل پذیرش بودن مسأله. قابل درک است که رئیس جمهوری مشکل دارد، اما قابل پذیرش بودن نکته دیگری است.

در زمینه اهل سنت، اینکه در داخل دولت مطالبات دنبال می‌شود، گام مهمی است و می‌توان آن را یک موفقیت به حساب آورد. تعریف من از اهل سنت و حقوق اهل سنت، خاص است. به نظر من اهل سنت با سه مصداق یا شاخص حقوقی رو به رو است؛ یکی شاخص حقوق سیاسی به عنوان شهروند عام ایرانی، وزیر شدن، استاندار شدن و مدیر شدن، دیگری شاخص اقتصادی تحت عنوان حقوق اقتصادی مبنی بر اینکه اگر در شهری مانند مسندج، ۱۰۰ کارخانه ایجاد شد، به این معنی نیست که حقوق اهل سنت رعایت شده یا نشده است. اما حقوق مذهبی اهل سنت آن دسته از حقوقی است که من به عنوان آن حق دارم اهل سنت باقی بمانم. آیا دستکاری ویژه رئیس جمهوری در تحقق این حق سوم، موفق بوده است؟ برای احقاق حقوق اول و دوم، گام‌هایی برداشته شده و آقای یونسی تلاش زیادی کرده است که اهل سنت در ساختار اجرایی حضور داشته باشد، چنانکه یکی از معاونان آقای رنگنه اهل سنت است و تلاش‌هایی برای بقیه وزارتخانه‌ها صورت گرفت. باید توجه داشت که ساختار قدرت در کشور ما قدری سخت است و نفس طولانی می‌خواهد. هرچند به نظر من ساختار مشکل ندارد، اما در مرحله اجرا با چالش‌های عملی مواجه هستیم.

**خوجم لی:** نگاه من نسبت به دستکاری ویژه مثبت است، بویره آقای یونسی که به موضوع اشراف دارند و آداب و رسوم و مطالبات اهل سنت را می‌شناسند و دیدار با اهل سنت در مناطق مختلف و طرح دیدگاه‌های اهل سنت به ایشان، اثر زیادی برای تداوم و استحکام پایه‌های نظام دارد. اما انتظار داریم دستکاری ویژه حوزه توانایی خود را تعریف کند و اگر تصور این باشد که دستکاری همه کاری می‌تواند بکند، آثار خوبی نخواهد داشت. ارتباط نزدیک با اقوام و اهل سنت می‌تواند در استحکام وحدت و شبیه‌رذایی موفق باشد زیرا وحدت‌خواهی از آرمان‌های نظام است که توسط رهبر معظم انقلاب دنبال می‌شود، چنانکه حضرت امام(ره) هم نسبت به اهل سنت و اقوام مختلف نظر ویژه داشته و آنها را از نظام می‌اندستند و دستکاری ویژه هم دارد در راستای مهندسی امام حرکت می‌کند، اما می‌تواند این را تقویت کند و در راستای شبیه‌رذایی‌های اهل سنت از اهل تشیع و متقابلاً فعالیت کند. به عبارتی باید ارتباطات اهل تشیع را تقویت کند تا گفتگمانی بین آنها وجود داشته باشد تا به اعتدال‌گرایی کامل مطرح شده از سوی دکتر روحانی برسانیم.

**ادامه در صفحه ۲۱**